

جفای که خارجی ها در افغانستان روا داشتند

(استاد صباح)



ما حق خواه و حق طلبیم به مقدار
رندیم و خراباتی و وابسته به پندار
از تلخی می وز سخن خوش نهراسیم
آن دفعه نگفتیم و بگوئیم در این بار.

اسرار آمیز ترین بخش نیروهای آمریکا را کمینی های امنیتی خصوصی آمریکائی تشکیل می دهند. گشت زنی در شاهراه ها، بدرقه کاروان های تدارکاتی، تأمین امنیت مراکز و شخصیت های خارجی از جمله مسئولیت های این کمینی ها به حساب می آید. این کمینی ها، عملیات های شبانه، خانه تلاشی ها، ربودن افراد و شکنجه آنها و حفاظت از زندان های آمریکا در افغانستان را، نیز برعهده دارند. نیروهای این کمینی ها را، نظامیان کشورهای مختلف تشکیل می دهند. اما صاحب منصبان آن ها، در مجموع آمریکایی اند و رهبری آن را آمریکایی ها بر عهده دارند.

هر چند فشار افکار عمومی و بحران های اقتصاد جهانی ایالات متحده مجبور به اتخاذ موضعی تدافعی در افغانستان کرده و بحث از عدم تخصیص هزینه های بیشتر در کشور و خروج نیروهای نظامی به میان آمده است؛ ولیکن طراحی های آینده نگرانه استراتژیست های آمریکایی نمی تواند به خروج کامل از این ناحیه پس از دست یافتن به چنین موقعیت خطیری منجر شود. بنابراین ایالات متحده از آشوب های به وجود آمده استقبال می کند بدان دلیل که می تواند حفظ پایگاه های نظامی و تثبیت موضع نظامی این کشور را در افغانستان تثبیت کند.

د افغانستان حدوداً - ۵۰ کشور حدود ۱۲۹ هزار و ۸۹۵ نظامی دارند البته نیروهای خاص و استخباراتی شامل این ارقام نمی گردد. تنها در سال (۲۰۱۳) ۱۴۸ نظامی ناتو، ۱۱۸ نظامی آمریکایی، ۸ انگلیسی و ۲۲ نظامی دیگر از کشورهای دیگر اعضای ناتو در افغانستان کشته شده اند که با این حال تعداد تلفات نظامیان خارجی در این سال به ۲۹۷ نفر رسیده است.

- آمریکا- با حدود ۹۰ هزار نظامی بیشترین نیرو را در افغانستان دارد که بیشترین تعدادی است که ایالات متحده در زمان به قدرت رسیدن باراک اوباما در جنوری ۲۰۰۹ در کشور داشت. اوباما در دسامبر ۲۰۰۹ دستور داد ۳۰ هزار نظامی دیگر به افغانستان اعزام شوند که آخرین تعداد از این نیروها در تابستان ۲۰۱۰ در این کشور مستقر شدند. آمریکا با دادن حداقل دو نیم هزار کشته از زمان شروع جنگ در ۲۰۰۱ بیشترین تلفات را در میان کشورهای هادر افغانستان داشته است. اوباما چندی قبل گفت کشورش به روابط طولانی مدت با افغانستان متعهد است، اما نمی خواهد نیروهایش را بیش از زمان لازم

در این کشور نگه‌دارد. حمایت مردم آمریکا از این جنگ که بیش از یک دهه از شروع آن می‌گذرد بشدت کاهش یافته و آن را به چالشی برای اوباما تبدیل کرده است.

- انگلیس- پس از آمریکا با حدود ۹۵۰۰ نظامی بیشترین نیروها را در افغانستان دارد. دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس جنوری گذشته تایید کرد به ضرب‌الاجل خود برای خارج کردن نیروهای انگلیسی تا پایان ۲۰۱۴ وفادار است. از ۲۰۰۱ تاکنون در حدود پنجمصد نظامی انگلیسی کشته شده‌اند.

- آلمان- آنگلا مرکل صدراعظم آلمان چندی قبل پس از این که یک نظامی آمریکایی ۱۶ غیرنظامی کشور از جمله ۹ کودک را با شلیک گلوله به قتل رساند و روابط بین کابل و ناتو را بشدت تیره کرد در سفری غیرمنتظره به دیدار نیروهای آلمانی در شمال رفت. آلمان پس از آمریکا و انگلیس با ۴۷۱۵ نظامی بیشترین نیرو را در افغانستان دارد و حداقل شصت نظامی آلمانی از ۲۰۰۱ در افغانستان کشته شده‌اند.

- فرانسه - رییس‌جمهور فرانسه گفت، فرانسه نیروهای خود را در پایان ۲۰۱۴ از افغانستان خارج می‌کند. فرانسه ۳۵۰۰ نظامی در افغانستان دارد و حدود صد نظامی خود را در این کشور از دست داده است.

- ایتالیا- ایتالیا حدود ۳۹۵۰ نظامی در افغانستان دارد که بیشتر آنان در منطقه نسبتاً آرام کشور مستقر هستند. با این حال، حداقل پنجاه نظامی ایتالیایی از سال ۲۰۰۱ تاکنون در افغانستان کشته شده‌اند.

- پولند - حدود ۲۴۷۵ نظامی در افغانستان دارد که بیشتر آنان در غزنی در جنوب غربی کابل مستقرند. در انفجار بمبی در کنار جاده با کشتن ۵ نظامی پولندی تعداد تلفات این کشور را در افغانستان به چهل نفر رساند.

- استرالیا- نخست وزیر این کشور اخیراً گفته است، انتظار دارد همه نیروهای بین‌المللی مستقر در آنجا توجه خود را بر حمایت از نیروهای افغانستان متمرکز کنند. استرالیا حدود ۱۵۵۰ نظامی در افغانستان دارد و ۳۲ نظامی خود را در آنجا از دست داده است.

- هلند- نخستین کشور عضو ناتو بود که پس از سقوط دولت آن، بر اثر اختلاف درباره حضور نیروهایش در افغانستان در اوایل ۲۰۱۰ قسمت اعظم نظامیان خود را از افغانستان خارج کرد. از مجموع ۲۰۰۰ نظامی هلندی تعدادی برای تعلیم و تربیه پولیس و چهار فروند هواپیمای جت اف-۱۶ برای حمایت از نیروهای کشور و نیروهای ائتلاف باقی مانده‌اند. ۵۴۵ پرسونل هلندی در قندوز، کابل و مزار شریف حضور دارند که تقریباً نیمی از آنان در امور تربیتی فعال هستند. به گفته وزارت دفاع این کشور قرار است در ۲۰۱۴ حضور این نیروها خاتمه یابد، اما تاریخ دقیق خروج ۱۲۰ نظامی هلندی مستقر در افغانستان و جت‌های جنگنده این کشور هنوز معلوم نیست. تاکنون ۲۵ تاچهل نظامی هلندی در افغانستان کشته شده‌اند.

- کانادا- ماموریت نظامی کانادا که اصلاً مورد علاقه مردم این کشور نبود، در ۲۰۱۱ خاتمه یافت، گرچه تعداد اندکی از آنان برای تربیه سربازان و افسران پولیس کشور تا ۲۰۱۴ در کشور باقی مانده‌اند. ، کانادا هنوز حداقل ۵۱۰ نظامی در افغانستان دارد. ۱۵۸ تاو صد نظامی کانادایی در این جنگ کشته شده‌اند.

بیشتر نظامیان دیگر حاضر در افغانستان از کشورهای عضو ناتو هستند و تعداد آنان از سه نظامی اتریشی تا ۱۸۵۰ نظامی ترکیه متغیر است. نظر سنجی‌ها نشان می‌دهند، حمایت مردم بیشتر کشورهایی که نظامیان خود را به افغانستان فرستاده‌اند از این جنگ در حال کاهش است.

همچنان طی روزهای اخیر برخی رسانه های آمریکایی از احتمال حضور ده تا بیست هزار نظامی آمریکایی در افغانستان پس از ۲۰۱۴، خبر دادند. نیویارک تایمز در گزارشی نوشت، مقام‌های آمریکایی در حال بحث درباره تعداد و نحوه حضور نظامیان خود پس از ۲۰۱۴ در افغانستان هستند. وال استریت ژورنال می نویسد، دولت آمریکا در صدد است هزاران نظامی خود را پس از ۲۰۱۴ در افغانستان نگه دارد.

جورج لیتل اعلام کرد، پنتاگون می‌خواهد درباره تعداد نظامیان آمریکایی که تقریباً شصت و هفت هزار نظامی آمریکایی در افغانستان مستقر هستند. لیتل درباره علت حضور نظامیان آمریکایی در افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی از این کشور مدعی شد، نظامیان آمریکایی به منظور تعلیم و تربیه نیروهای امنیتی و اجرای عملیات علیه تروریست ها در این افغانستان باقی خواهند ماند.

روزنامه واشنگتن پست در یکی از شماره خود مطلبی دارد تحت عنوان، نقش امریکا در فساد اداری افغانستان که در بخش آن می نویسد- وقتی که در مورد فساد اداری در افغانستان صحبت می شود، امریکا باید به آینهء خود نگاه کند که چه درس هایی را در جنگ افغانستان آموخته است. رییس جمهور کرزی در صحبت با تلویزیون سی. بی. اس. امریکا به تاریخ سی سپتامبر گفت، فساد اداری در افغانستان به شکل بی سابقه دامن پهن کرده است.

به گفته کرزی فساد اداری سال های نوزده هشتاد یعنی دوره حضور شوروی به اندازه پنج فیصد امروز هم نبود، زیرا اتحاد شوروی قرار دادها را به خویشاوندان، برادران و دوستان افراد با نفوذ نمی داد. امریکا این کار را انجام داد و هنوز هم انجام می دهد، اما ملامتی بدوش حکومت افغانستان گذاشته می شود. واقعیت همین است که امریکا در قراردادهای خود و مصارف میلیاردها دالر سهل انگاری کرده است، مخصوصاً در قرار دادهای نظامی.

به نوشته روزنامه انتونی کوردسمن متخصص امنیت ملی در اداره رییس جمهور سابق امریکا رونالد ریگان گزارشی را در این رابطه نوشته است تحت عنوان امریکا چگونه افغانستان را به فساد آلوده ساخت. کوردسمن که مدت زیاد را در افغانستان سپری نموده است می نویسد، شاید یکی از بهترین راه های مبارزه با فساد در افغانستان این باشد که امریکا راه های مصرف خود را در افغانستان تغییر دهد. میلیاردها دالر امریکا و کشورهای جهان به افراد مقتدر که شرکت های خصوصی را تاسیس کرده بودند، داده شد و هیچ حساب دهی صورت نگرفت. این افراد با فساد آلوده بودند، و این پول ها بعضاً حتی به دست مخالفین هم رسیده است.

جان ماری کوهینور رئیس صلح بانان سازمان ملل از ناتو خواست به کار توسعه افغانستان بیشتر توجه کند. وی با اشاره به ضرورت تامین امنیت در افغانستان، حرکت در مسیر توسعه را برای این کشور حیاتی دانست. کوهینو همچنین خاطر نشان کرد که سازمان ملل به نیروهای خارجی در خصوص احترام به فرهنگ و مردم افغانستان، تذکر داده است. نیروهای ناتو که باشعار کمک به بازسازی و اردافغانستان شده اند در طول سالهای اخیر، عملکرد مطلوبی نداشته اند. آمارها نشان می دهد که با گذشت سالها از حضور نیروهای خارجی خصوصاً ناتو، روند بازسازی در افغانستان بسیار کند بوده است. باید توجه داشت که اصلی ترین پیش شرط توسعه، وجود امنیت است که افغانستان به دلیل سیاستهای امریکا و ناتو از آن بی بهره است. در شرایطی که افغانستان با معضلات بسیاری همچون تروریسم، فقر و مواد مخدر روبرو است، امریکا و ناتو تمایل چندانی برای رفع مشکلات مردم ندارند.

سیاست های دوگانه امریکا و ناتو در خصوص طالبان باعث شده است فعالیتهای تروریستی در افغانستان همچنان ادامه یابد. برخی محافل سیاسی معتقدند که امریکا و ناتو به صورت غیر آشکار با برخی رهبران طالبان ارتباط نزدیک دارند. از سوی دیگر باید توجه داشت که از بین رفتن کامل طالبان، توجیهی برای تداوم حضور خارجی ها باقی نمی گذارد. بنابراین به نظر می رسد که امریکا و ناتو برای استمرار حضور خود در افغانستان نیازمند سطح کنترول شده ای از خشونتها و درگیری ها هستند. همچنین وجود طالبان، اهرم فشار امریکا بر دولت کرزی در جهت تبعیت از سیاست های دولت بوش محسوب می شود.

تعداد تلفات در بین مردم در سال دوهزار و سیزده به مقایسه سال قبل به اندازه چهارده فیصد افزایش یافته است. طبق معلومات سازمان ملل متحد، طی سال دوهزار و سیزده در نتیجه خشونت ها دوهزار و نصد و شصت نفر کشته شده و به تعداد پنج هزار و هفتصد نفر زخمی گردیده اند.

موضوع افزایش کشت خشخاش و تولید مواد مخدر نیز از معضلاتی است که جامعه افغانستان برای رهایی از آن نیازمند کمک جامعه جهانی است. در حالی که معیشت بیش از دویست میلیون دهقان به کشت خشخاش گره خورده است، ارائه کشت جایگزین و ایجاد منابع جدید درآمدی به تنهایی در توانایی دولت نیست و جامعه جهانی باید در این زمینه فعال شود. در خصوص موضوع توسعه نیز روند کند بازسازی باعث شده است همچنان فقر بر سر مردم کشور سایه بیافکند، برخی گزارشها نشان می دهد که تنها بخشی از کمکهای بین المللی به موضوع بازسازی اختصاص یافته است و بخش زیادی از این کمکها صرف حضور موسسات خارجی در افغانستان می شود. در اجلاس ناتو، تاکید برخی کشورهای بزرگ اروپایی بر رویکردهای غیرنظامی و تمرکز بر مقوله تربیه و تجهیز اردو و پولیس ملی نشان دهنده اختلافات در درون ناتو بود. اگرچه تاکید رئیس صلح بانان سازمان ملل بر توجه بیشتر ناتو به امور توسعه نشان می دهد که عالی ترین نهاد بین المللی نیز از عملکرد ناتو در زمینه بازسازی انتقاد دارد اما بی توجهی سازمان ملل به توسعه افغانستان نیز جای پرسشهای بسیاری

دارد. به اعتقاد کارشناسان، افزایش سطح رفاه عمومی و تسریع در بازسازی، به کاهش خشونت و ناامنی در افغانستان منجر می شود.

آمریکا حدود یکصد و هفت میلیون دلار، دوچند برآوردهای قبلی را برای ساخت مقر وزارت دفاع در پنج طبقه، که شامل پیشرفته ترین پایگاهها و پناهگاههای نظامی و همچنان دومین سالون بزرگ شهر کابل میباشد، خرج کرده است. اما چهار سال پس از آغاز کار این پروژه متوقف گردید.

سالهاست که مفتیشن مالی از سومدیریت در پروژه ها و حیف و میل شدن پولهای کمکی آیالات متحده در افغانستان گزارش میدهند، و ساختمان وزارت دفاع یک مثال بارزی از نحوه نظارت ضعیفی از سرمایه گذاری های بزرگ آمریکا میباشد. یکن از مسوولان آمریکایی در مورد این پروژه گفت- هیچ کس این پروژه را طوریکه شاید و باید ارزیابی میشد، مدیریت، نظارت و ارزیابی نکرده است و این پروژه درست مانند یک صفحه باز بوده است. ما در مدیریت و نظارت این پروژه شکست خورده ایم، شکست بدی! این ساختمان چهل هشت هزار مترمربعی بخشی از پروژه های ده میلیارد دلاری آیالات متحده برای ساختن صدها قرارگاه، پایگاه ها و شفاخانه ها برای اردوی کشور در چند سال آینده میباشد. تقریباً تمامی این مبلغ از سوی آیالات متحده آمریکا پرداخت میگردد.

اما با وجود اینکه نیروهای آمریکایی قرار است از افغانستان خارج شوند، دوصدونود و یک پروژه ساختمانی آنها تا هنوز در مراحل پلانی یا در حال ساخت قرار دارند و هشتصدوسی سه پروژه دیگر تکمیل و به بهره برداری سپرده شده اند. نیروهای ائتلاف نظامی آمریکا بارها به وزیر دفاع آیالات متحده درخواست بیست چهار میلیون دلار دیگر برای ادامه ساخت مقر وزارت دفاع فرستاده اند، پروژه ای که از همین اکنون گرانترین پروژه ساختمانی آمریکا در افغانستان بوده است. اما در انتظار تصویب این مبلغ اضافی از سوی وزارت دفاع آمریکا اند.

از سال دو هزار و پنج میلادی، کنگره آیالات متحده حدود پنجاه سه میلیارد دلار را برای کمک به تجهیز و تربیه، ساختمان و تغذیه سه صد و چهل هشت هزار نیروی اردو و پولیس کشور تخصیص داده است. اما از زمانیکه این مبلغ به افغانستان سرازیر شد، مسوولین نظامی آمریکا همواره تلاش کرده اند، که برای جلوگیری از حیف و میل و مقابله با قراردادی های فاسد، بالا رفتن هزینه ها را کنترل و کار ساخت پروژه ها را به تاخیر باندازند.

مانع بزرگتر دیگر تاخیر در واردات فولاد و سایر مواد مورد نیاز برای ساختمان ای که در مقابل زلزله به مقیاس هشت درجه ریشتر مقاومت داشته و برای دو هزار و دوصد نفر فضای کار آماده میسازد، نیز بوده است.

از جانب دیگر آمریکا میگوید که اگر کمکهای مالی ما به پروژههایی که در نظر گرفته شده، به مصرف نرسد و مقامها در حکومت افغانستان هم نتوانند جلوفساد را بگیرند، آمریکا آماده قطع کمکهای توسعهیی خود به افغانستان است.

بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی به این طرف، برخی موفقیتها در سکتور صحت عامه و معارف به دست آمده است، اما فساد و رشوت گیری هنوز به طور معمول ادامه دارد. چنانچه یک مفتش سابق آمریکایی گفته است، ۱۵ فیصد کمکهای انکشافی به علت فساد در افغانستان ضایع شده و از بین رفته است. یک مثال تکان دهنده آن سرقت ۹۳۵ میلیون دلار در کابل بانک است.

کشت ، تولید و ترافیک مواد مخدر



کشت خشخاش به میزان چشمگیری در این کشور افزایش یافته است. با وجود کمک های ۷,۶ میلیارد
دلاری امریکا به افغانستان کشت خشخاش رشد چشمگیر داشته است. در حدود ۲۰۹ هزار هکتار زمین
در سال ۲۰۱۳ زیر کشت خشخاش قرار گرفته است که در مقایسه به سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است. به
اعتقاد مردم افغانستان، پس از سالها جنگ و مبارزه با تروریسم در کشور، هنوز هم سخن از افزایش خشونت
ها و تولید مواد مخدر در میان است، ده ها پرسش مطرح است که تاکنون صادقانه و واقع بینانه به آن پاسخ
داده نشده است. به باور آنان لشکرکشی غربیها برای نابودی تروریسم نبوده، بلکه هدف آنان تسلط بر منطقه
و ثابت نگه داشتن اوضاع برای تامین و اجرای برنامه های شان برای حضور درازمدت در افغانستان می
باشد.

خشونت بی پایان، کشتار مردم بیگناه، داشتن رکورد تولید مواد مخدر در جهان و یک میلیون معتاد از جمله دستاوردهای
تهاجم ده ساله نیروهای غربی به افغانستان است.

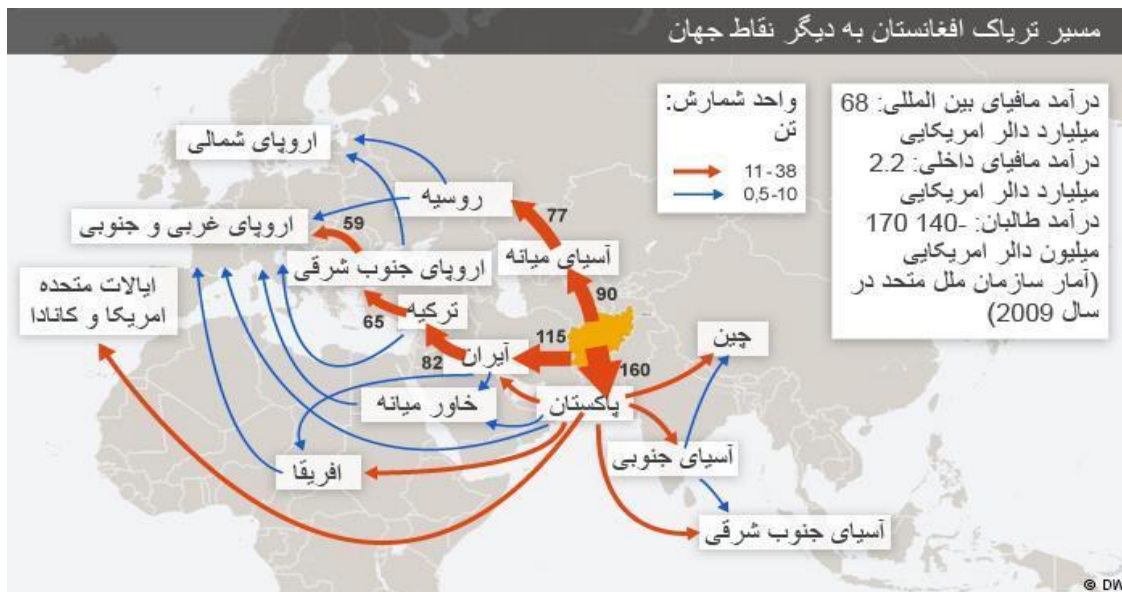
ده سال پیش (۷ اکتبر ۲۰۰۱) تقریباً یک ماه بعد از حمله به برج های تجارت جهانی در آمریکا، لشکرکشی واشنگتن
و همپیمانانش به افغانستان به بهانه نابودی تروریسم و القاعده رقم خورد. بعد از یک ماه حکومت طالبان سقوط کرد، اما نه
تنها طالبان نابود نشدند بلکه در جریان ده سال گذشته دهها هزار غیر نظامی در درگیریهای مختلف کشته شده اند و هنوز هم
نامنی در تمام نقاط کشور ادامه دارد و جالب تر اینکه هنوز افغانستان در صدر لیست کشورهای تولیدکننده مواد مخدر قرار
دارد. بنا به گزارشهای وزارت مبارزه با مواد مخدر یک میلیون فرد معتاد به مواد مخدر در کشور وجود دارد و بیش از
۹۰ درصد مواد مخدر جهان در افغانستان تولید می شود. تنها در ولایت هرات در غرب کشور از وجود ۷۰ هزار معتاد
گزارش شده است. این تعداد افراد با توجه به نفوس سی میلیونی افغانستان وحشتناک است.

مطابق گزارشهای رسمی از سال ۲۰۰۴ به بعد حدود ۶۰ درصد درآمد داخلی را مواد مخدر تشکیل داده که درآمد سالیانه
آن حدود ۲,۵ میلیارد دلار برآورد شده است و مافیای مواد مخدر چندین برابر این مبلغ را که دهها میلیارد دلار بالغ می گردد
سود بدست آورده اند، زیرا کمتر از ۳۰ درصد عواید مواد مخدر برای دهقانان و واسطه های داخلی است و ۷۰ درصد
دیگر آن را مافیای بین المللی مواد مخدر به جیب می زنند.

همین میزان از درآمد داخلی کافی است که جنوب افغانستان هر ساله نا امن باشد تا بتواند بوته های خشخاش در سایه نا امنی
و جنگ به شیره های تریاک تبدیل گردد. ولایات هلمند، قندهار، ارزگان، فراه، ننگرهار، پکتیا و زابل از ناامن ترین
ولایات افغانستان به شمار می رود که بیشترین کشت تریاک را نیز دارا می باشد، طی سالهای گذشته هر قدر نا امنی در این
مناطق افزایش یافته، کشت تریاک نیز به همان میزان افزایش یافته است.

ده سال تهاجم نظامی به افغانستان دستاوردهایی را هم داشته، اما به چی قیمتی؛ افزایش نا امنی، کشتار مردم بیگناه، قتل های
زنجیره ای رهبران و سران کشور و افزایش کشت و تولید مواد مخدر. تنها اگر به یکی از این دستاوردهای این تهاجم توجه
کنیم با سوالات زیادی مواجه می شوم. اینکه چرا دولت افغانستان در مبارزه با مواد مخدر اقدامات مهمی را انجام نداده
است. اگر تریاک باعث بدنامی افغانستان در منطقه شده، چرا دولتمردان برای جلوگیری از تباهی خود و مردم اقدام نمی
کنند. بی توجهی جامعه جهانی بخصوص امریکا و دولت افغانستان به کشاورزان افغان و وجود نا امنی در مناطق جنوبی
و شرقی کشور شرایط را برای کشت مجدد مواد مخدر فراهم کرده است.

مسیر تریاک افغانستان به دیگر نقاط جهان



دفتر مبارزه با جرائم و مواد مخدر ملل متحد اعلام کرده است - با وجود تلاش‌های محدود دولت برای از بین بردن مزارع موادمخدر، مناطق کشت خشخاش در افغانستان افزایش یافته است. در حالی که قیمت مواد مخدر در مزرعه به صورت نسبی بالا باقی مانده و هر کیلوگرم آن تا دو صد دلار معامله می‌شود. ارزش مواد مخدر تولیدی افغانستان در سال دوهزار یازده میلادی هفت درصد تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل داد که در سال‌های بعد این رقم به چهار درصد کاهش یافته است. یوری فیدوتوف، رئیس اجرایی اداره مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد گفت- افزایش قیمت مواد مخدر عامل اصلی افزایش کشت آن بوده است. فیدوتوف خواستار تلاش‌های جدی جامعه بین‌المللی و دولت برای جلوگیری از کشت مواد مخدر شد. ملل متحد در این بررسی اعلام کرد، با وجود افزایش یکصد و پنجاه چهار درصدی، تلاش‌های ظاهری دولت برای تخریب مزارع خشخاش، مناطق زیرکشت افزایش یافته است.

افغانستان نود درصد مواد مخدر جهان را تولید می‌کند و طالبان علاوه بر اینکه در قاچاق و کشت مواد مخدر سهم دارند، از دهقانان مالیات می‌گیرند و از طریق پول به دست آمده از مواد مخدر، مصارفات قسمی خود را تأمین می‌کنند.

نود و پنج درصد مواد مخدر افغانستان در ولایت‌های جنوبی و شرقی کشور کشت شده است. جنوب و شرق از جمله مناطقی هستند که طالبان فعالیت گسترده‌ای دارند و به همین دلیل، جلوگیری از کشت خشخاش با چالش‌هایی همراه است.

این مسئله نشان دهنده رابطه طالبان با کشت مواد مخدر است. این گزارش در حالی منتشر می‌شود که دوازده سال پس از حضور نیروهای خارجی در افغانستان نه تنها کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان افزایش یافته است، بلکه خود این نیروها متهم به نقل و انتقال و قاچاق مواد مخدر هستند.

بر اساس گزارش‌ها کشت خشخاش در کشور در سال گذشته میلادی ۳۶ درصد افزایش یافت. در حال حاضر ۵۵۰۰ تن تریاک در کشور تولید شده است که نسبت به سال ۲۰۱۲، ۴۹ درصد رشد نشان می‌دهد. ضمن اینکه سطح زیرکشت خشخاش از ۱۵۴ هزار هکتار به ۲۰۹ هزار هکتار رسیده است و رکورد کشت در سال ۲۰۰۷ را که ۱۹۳ هزار هکتار بود پشت سر گذاشت. دو ولایت بلخ و فاریاب وضعیت عاری از کشت خود را از دست داده اند از این رو ولایات عاری از کشت خشخاش از ۱۷ ولایت در سال گذشته به بیست و نوبیست و پنج افزایش یافته است. ۹۰ درصد کشت خشخاش به ۹ ولایات واقع در مناطق جنوبی و غربی اختصاص داشت که اکثراً این مناطق در حاکمیت مخالفین قرار دارد. هلمند منطقه اصلی تولید تریاک که نزدیک به نیمی از کشت خشخاش را به خود اختصاص داده است. پس از قندهار در رتبه بعدی قرار دارد.

گزارش جدید ملل متحد - «اعتیاد، جرم و شورش، خطر گذرای تریاک افغانستان» انتشار یافته است، طالبان عمده ترین مقصد در پس صعود سرسام آور تولید مواد مخدر می باشند. مواد مخدر یگانه دلیل قدرتمند شدن طالبان می باشد. همچنان این گزارش ایالات متحده امریکا و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی یا «ناتو» را از داشتن مسوولیت در برانگیختن شورشگری تبرییه می کند. در حقیقت ایالات متحده امریکا و متحدان افغانش بخش بزرگ مسوولیت توسعه دراماتیک صنایع مواد مخدر را از استیلای افغانستان (توسط امریکا و متحدان) بدینسو بردوش دارند. در حالی که این واقعیت عمیقاً در

گزارش کتمان می شود، تدوین کنندگان گزارش اعتراف می کنند که کاهش سقف تولید مواد مخدر تاثیر اندکی بر نیرومندی شورشگری دارد. یادداشت‌هایی که در زیر آورده می شوند برخی از مهمترین ادعاهای این گزارش را رد کرده ، چشم انداز نقش طالبان را در اقتصاد تریاک نشان داده و مسوولیت ایالات متحده امریکا و ناتو را برای توسعه و کاهش بالقوه آن مورد تذکار قرار می دهد.

در گزارش آمده است که: «شورشیان طالب حدود ۱۲۵ میلیون دلار امریکایی از مواد مخدر به دست می آورند . این پول بیشتر از آنچه است که ۱۰ سال پیش به دست می آوردند. (در نتیجه این) توفان مواد مخدر و تروریسم را تکمیل کرده و سالها است که مرزبین افغانستان و پاکستان را فرا گرفته و شاید به سوی آسیای میانه برود. شاید یک بخش بزرگ منطقه را تروریسم گسترده ی فرا گیرد و منابع بزرگ وانبوه انرژی را به خطر اندازد.» این ادعاها می خواهد ما را از سلطه تهدید آمیز مواد مخدر و تروریسم در بخشهای بزرگی از منابع انرژی جهان بترساند. « اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد» برای این نظر است که یک دهه پیش طالبان از بابت مواد مخدر سالانه ۸۵ میلیون دلار امریکایی به دست می آورند، اما از سال ۲۰۰۵ بدینسو این رقم جهش نشان داده و به ۱۲۵ میلیون دلار امریکایی رسیده است. هر چند این یک افزایش بلند را نشان می دهد، طالبان در اقتصاد تریاک نقش بسیار کوچکتر از آنچه دارند که « اداره مواد مخدر و جرایم ملل متحد» می خواهد بر ما بقبولاند. بنابراین حدس زده می شود که پول درآمد از بابت مواد مخدر منبع دوم درآمد مالی آنها باشد. در واقع مطابق به تخمین این گزارش صرف ۱۰ تا ۱۵ درصد تمویل طالبان از مدرک مواد مخدر به دست می آید و ۸۵٪ آن از « منابع غیر از تریاک » تامین می شود.

درآمد مجموعی ای که از بابت تریاک در درون افغانستان تولید می شود سالانه حدود ۴/۳ میلیارد دلار امریکایی است. از این رقم مطابق به اظهار « اداره مواد مخدر و جرایم ملل متحد» طالبان صرف ۴٪ مجموعی را به دست می آورند. در این میان ۲۱٪ آن به کشاورزان تعلق می گیرد. آیا ۷۵٪ باقیمانده به القاعده می رسد؟ نه: این گزارش ملل متحد مشخص می سازد که « به نظر نمی رسد که (القاعده) نقش مستقیمی در تجارت تریاک افغانستان داشته باشد». ار چند شاید القاعده درآمد مرز پاکستان « در حد پایینی در تجارت مواد مخدر و اسلحه » مشارکت داشته باشد. برعکس ۷۵٪ درآمد باقیمانده مواد مخدر توسط مقامات حکومتی و پولیس افغانستان ، قدرتمندان داخلی و منطقه ای و قاچاقبران و به طور خلاصه توسط بسیاری گروههایی که اکنون از جانب ایالات متحده امریکا و ناتو حمایت (یا تحمل) می شوند و نقش پردازان در تجارت مواد مخدر اند، غصب می شود.

اخیراً نیویارک تایمز افشا کرد که احمد ولی کرزی برادر حامد کرزی رییس جمهور افغانستان از مدتها پیش بدینسو حقوق بگیر دستگاه استخبارات مرکزی ایالات متحده امریکا یا «سی آی ای» بوده است. علاوه بر این احتمال داده می شود که او در معاملات غیر آبرومندانه مواد مخدر دست داشته باشد. اما پس از آنگاهی که نیروهای ایالات متحده امریکا و ناتو از آن جنگسالاران ، قوماندانها و ملیشه های غیرقانونی ای حمایت می کنند که سوابق پامال کردن حقوق بشرو شرکت در تجارت مواد مخدر را داشته اند، این تنها مشت نمونه خروار است. یک مقام پیشین « سی آی ای » گفت: « در واقع هر آدم مهم افغانستان دستی در تجارت مواد مخدر دارد». مطابق به یک گزارش دانشگاه نیویارک جنرال نذری محمد جنگسالاری که کنترل بخش مهم اهرمهای صنایع تولید تریاک (در ولایت بدخشان) را دارد ، « جهت فراهم ساختن امنیت برای تیم بازسازی ولایتی آلمان قرار داد دارد».

« اداره مواد مخدر و جرایم ملل متحد» کوشش می کند تا ارتباط طالبان با مواد مخدر را عنوان صفحه سازد در حالیکه سعی نمی کند با عین جدیت باکسانی برخورد کند که توسط واشنگتن حمایت می شوند. به نظر می رسد که این اداره کارگزار سیاستهای ایالات متحده امریکا و ناتو در افغانستان باشد.

وقتی که من از یک مقام اداره مواد مخدر و جرایم ملل متحد که از تهیه این گزارش سرپرستی می کرد پرسیدم که چند درصد درآمد مواد مخدر توسط مقامات حکومت افغانستان تصاحب می شود، او فوراً جواب دارد: « ما آن را نمی دانیم. من نمی دانم ». این گزارش به جای آنکه انگشت خود را مستقیماً به جانب حکومت مورد حمایت ایالات متحده امریکا و ناتو در افغانستان نشانه رود، می خواهد چنین القا کند که اگر شوله نمی شد پوله نمی شد، حکومت با حسن نیتی می بود. اما از سال ۲۰۰۱ به اینسوریشه های صعود تولیدات مواد مخدر در افغانستان مستقیماً به سیاستهای ایالات متحده امریکا و حکومتی ارتباط دارد که در آستانه استیلای نظامی بر این کشور به وجود آمد. ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۰۱ به

افغانستان حمله کرد. اتحاد با جنگسالاران و قاچاقبران مواد مخدر، ملیونها دالر و اشکال دیگر کمکها را بر آنها ارزانی کرد. تقویت و غنی ساختن جنگسالارانی که ایالات متحده امریکا با آنها اتحاد بوجود آورده بود، آنها را قادر ساخت که بر مواد مخدر مالیه وضع کنند و از قاچاقبران مواد مخدر حمایت کنند. این امر با سرعت به از سرگیری تولید تریاک منجر شد که با ممنوع ساختن آن توسط طالبان در سال ۲۰۰۰ در آن وقفه به وجود آمده بود.

« فساد اداری » و « جنایتکاران » را مسوول اوضاع خراب خواندن به معنای فراموش کردن تاثیر مستقیم و قابل پیش بینی سیاستهای ایالات متحده امریکا است که صرفاً از یک نمونه تاریخی برای تحمل و تقویت قاچاقبران محلی برای دنبال کردن اهداف گسترده سیاست خارجی اش پیروی می کند. چنانکه « الفرد مک کای » و دیگران همچو موارد را بصورت مشرح مستند ساخته اند. معافیت برای قاچاقبران مواد مخدر و جنگسالاران ادامه دارد. طوری که یک گزارش مجلس سنای ایالات متحده امریکا در ماه آگست می گوید: از سال ۲۰۰۶ بدینسو هیچ قاچاقبر بزرگ بازداشت نشده است و اقامه دعوا موفقانه علیه قاچاقبران مهم اغلب صرف با پرداخت رشوت و یا حمایت توسط بالاییها قطع شده اند. این نشان می دهد که اقدامات ضد مواد مخدر در بهترین صورت آن ناتوان می باشد.

مواد مخدر را مهمترین سبب پیشرفت طالبان دانستن ، به معنای آن است که ایالات متحده امریکا و ناتو را در برانگیختن این امر غیرمقصد بدانیم. حضور آنها در افغانستان ، همچنان حملات مخرب آنها علیه غیر نظامیان مسبب افزایش حمایتهایی می باشد که اخیراً مردم نسبت به طالبان نشان داده اند. آنچه در گزارش عمیقاً مکتوم است و مولفان گزارش بدان اعتراف کرده اند این است که کاهش تولید مواد مخدر تنها یک «تاثیر حداقل بر تهدید ستراتژیک شورشگری دارد». طالبان «حمایتهای مالی چشمگیری از اعانه دهندگان انفرادی در سرتاسر جهان به دست می آورند». این کمک در حدی است که پول مواد مخدر در برابر آن « اندک » است. ار چند این گزارش توسط بعضیها شاید چنین پنداشته شود که برای تضعیف طالبان اقتصاد تریاک مورد حمله قرار گیرد، اما تهیه کنندگان این گزارش خود بر اعتبار چنین استدلالی باور ندارند. چنانکه در گزارش آمده است - «از ۶۵ میلیارد دالری که بابت فروش تریاک باب در بازار جهانی جریان دارد، صرف ۵ تا ۱۰ درصد آن یعنی قریب ۳ تا ۵ میلیارد دالر در سیستمهای بانکی غیر رسمی شستشو می شود. بقیه آن از طریق فعالیتهای تجاری قانونی و سیستم بانکی جریان می کند».

این مهمترین ادعا، حاکی از آن است که مقادیر هنگفت پول مواد مخدر توسط سیستمهای مالی جهانی ، منجمله بانکهای غربی بلع می شود. در هفت سال اخیر (۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸) تجارت فرا ملی تریاک افغانستان با فروشش در سطح جهانی (بطور پرچون یا خرده فروشی) ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دالر امریکایی بوده است. فقط بین ۵ تا ۱۰ درصد این پول توسط بانکهای غیر رسمی شستشو شده است (مثلاً توسط حواله). بقیه همه از طریق اقتصاد قانونی شستشو شده اند و مهم آنست که این کار توسط بانکهای غربی صورت گرفته است. در حقیقت از « آنتونیو ماریا کوستا » روایت شده بود که گفته است : پول مواد مخدر اخیراً شاید برخی بانکهای ورشکسته را نجات داده باشد. یعنی « قرضه های بین بانکها توسط همان پولی تمویل شده است که از تجارت مواد مخدر و سایر فعالیتهای غیر قانونی به دست آمده اند ». و علایمی وجود داشته اند که « بعض بانکها به همین طریق نجات یافته اند ». « به نظرمی رسد بانکداران معتقد اند که به هنگام ورشکستگی عظیم بانکها ، پول بو نمی دهد ». « آنتونیو ماریا کوستاس » در گزارش سال ۲۰۰۲ اداره ملل متحد برای مواد مخدر و جرایم نوشت - افغانستان در سطح جهانی انحصار کشت تریاک را دارد (۹۲٪). تریاک ماده خام برای مرگبارترین ماده مخدر جهان یعنی هروین است که سالانه موجب مرگ صد هزار نفر می شود».

تنباکو ونه هروین مرگبارترین ماده مخدر جهان است که هر سال ۵ ملیون انسان را می کشد. هرگاه مصرف تنباکو به همین نحو ادامه یابد، شمار مرگ و میر سالانه تا سال ۲۰۲۰ به ۱۰ ملیون انسان می رسد. ۷۰٪ این مرگ و میر در کشورهای رو به انکشاف اتفاق می افتد که هدف عمده اقدامات بازاریابی صنایع تنباکو را تشکیل می دهند. بنابراین چرا طالبان بیشتر از شرکتهای تنباکو آماج حمله باشند؟

در سطح جهانی ۱۶ ملیون تن از هرویین استفاده می کنند و عمده ترین بازار مصرف آن در اروپا قرار دارد و ارزش این تجارت به سالانه ۲۰ میلیارد دالر امریکایی می رسد. بنابراین اروپاییان مهمترین منبع تمویل صنایع مواد مخدر افغانستان اند و حکومتهای اروپایی به پیمانتهای زیادی در این مسوولیت شریک اند که برای کاهش تقاضا جهت استفاده از هرویین و خدمات درمانی (برای معتادان) در داخل مرزهای شان کاری نکرده اند. کاهش استفاده از مواد مخدر در اروپا به

طور چشمگیری در کاهش این مشکل در افغانستان کمک می کند. علاوه بر آن این گزارش یاد آور می شود، ترکیه که یک کشور عضو ناتو هست، یک « مرکز میانراه » برای انتقال تریاک بانی است که از افغانستان به اروپا می رود. شاید لازم باشد تا ناتو تلاشهایش را قبل از آنکه متوجه طالبان سازد به اعضای خود معطوف دارد. (گزارش می افزاید): « شاید برخی از شبکه های طالبان در تهیه ماده پیشقدمی که تریاک را به هرویین تبدیل می کند، دست داشته باشند. دریافتهای اخیر بیشتر از گذشته موید این برداشت اند که شبکه طالبان زیاد تر در انتقال مواد مخدر دست دارند». آری مطمئناً طالبان در تجارت مواد کمیاب ای که برای تصفیه تریاک و تبدیل آن به هرویین و مورفین لازم است، یک سهم دارند. ار چند کشورهای غربی و برخی از متحدان آنها نیز در این تجارت سهیم اند. این گزارش « اروپا، چین و فدراسیون روسیه» را به حیث « منابع عمده تهیه کننده استیک انهایدراید برای افغانستان » می شناسد.

امسال به مقدار ۲۲۰ لیتر استیک انهایدراید در میدان هوایی کابل صادره شد. ظاهراً این ماده از فرانسه به افغانستان وارد شده بود. در سالهای اخیر این ماده کمیاب بنابه گزارش سال ۲۰۰۸ اداره ملل متحد برای مواد مخدر و جرایم، از جمهوری کوریا به افغانستان می رسد. تحقیقاتی که در مورد تریاک صورت گرفته است، آلمان رایکی از منابع این ماده پیشقدم کمیاب برای تبدیل تریاک به هرویین می شناسد.

روشن نیست که حجم مجموعی تجارت افغانستان برای خریداری این ماده کمیاب پیشقدم چند است. اما از گزارش مستفاد می شود که تنها قیمت خریداری خرده یا پرچون استیک انهایدراید امسال ۴۵۰ میلیون دالر امریکایی بوده است. بخشی از این پول دوباره به شکل سود در کیسه شرکتهای کمیاب غربی می رود. محافظتهای جدی ای باید در مناطقی که این تولیدات قرار دارند، وجود داشته باشد. (در گزارش گفته می شود که) - «مناطق زرع کوکنار و ناامنی از نظر جغرافیایی باهم ارتباط دارند. در سال ۲۰۰۸ میلادی ۹۸ درصد زرع کوکنار در جنوب و غرب افغانستان یعنی کم امن ترین مناطق افغانستان انجام یافته است».

اداره مواد مخدر و جرایم ملل متحد» از این نگاه مواد مخدر را با طالبان ارتباط می دهد که زرع کوکنار در مناطقی صورت می گیرد که طالبان در آنجا تمرکز یافته اند. طالبان در جنوب افغانستان تمرکز دارند، از اینرو طالبان را با مواد مخدر ارتباط می دهند. نقش انگلیس در افغانستان پس از دوهزاریک عمدتاً همراهی و حمایت از سیاستهای آمریکا در افغانستان بوده است. اما رقابت و گاه اختلاف در سیاستهای آمریکا و انگلیس در افغانستان نیز مشهود بود. پس از وقوع حادثه یازده سپتامبر و لشکرکشی آمریکا به افغانستان با شعار مبارزه با تروریسم، اولین کشوری که در این خصوص با آمریکا همراهی کرد، انگلیس بود. اما با این حال انگلیسیها در چشم انداز برقراری صلح و امنیت در افغانستان عموماً با آمریکاییها همسو نبوده و بیشتر به طیفها و گروههای اسلامی در افغانستان توجه داشته و به نوعی در طبقات و لایه های زیرین جامعه افغانستان به طور گسترده و عمیق نفوذ دارند. به ویژه که سابقه حضور انگلیس و سیاستهای آن در افغانستان، محدود به دو دهه قبل یا پس از حمله نظامی آمریکا به افغانستان در دوهزاریک نیست. این کشور فرمانطقه ی از بیش از دو قرن پیش و در زمان شاه شجاع در هجده صدونو دخالتهایش را در افغانستان شروع کرد و همواره افغانستان ارزش استراتژیک زیادی برای انگلیس داشته است. انگلیسیها طی این سالها در افغانستان با اغلب جریانات و گروههای سیاسی کار کرده و در طول تاریخ معاصر افغانستان چندین بار دولتهای افغانستان را زیر و رو کرده است؛ هر چند که در جنگ با افغانها سه بار شکست تلخی خورده است.

واقعیت این است که طی سالهایی که نیروهای انگلیسی عمدتاً در ولایت استراتژیک هلمند حضور داشتند، و مسئولیت مبارزه با مواد مخدر به این کشور سپرده شده بود، نه تنها کشت و تولید مواد مخدر کاهش نیافت، بلکه رشد چشمگیری را نیز تجربه کرد و در خصوص نحوه برخورد و مواجهه با طالبان، انگلیسیها از سیاست معامله، مذاکره و حتی باجدهی استفاده کردند. در واقع ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان که یکی از ماموریتهای این کشورهای عضو ناتو اعلام شده بود، به صورت دیگری تفسیر و عملی می شد تا این که به دنبال ریشه کنی کشت تریاک و مواد مخدر باشند. شاید یکی از دلایل احساس رضایت وزیر دفاع انگلیس از حضورشان در هلمند به همین دلیل باشد که اعلام کرده بود افغانستان ارزش این تعداد تلفات را داشته است.

اما آنچه روشن است این که انگلیسیها بیش از هر کشور اروپایی در افغانستان در کنار نیروهای آمریکایی باقی خواهند ماند و برای حفظ منافع منطقه ای خود سخت به این حضور نیاز دارد. به همین جهت انگلیس در قدم اول هلمند و افغانستان و در قدم

دوم حضور در منطقه را از دست نخواهد داد و به شکل دیگری سیاست‌هایش را دنبال خواهد کرد. در این بین دولت انگلیس اعلام کرده است که در حوزه‌های مختلفی از دولت افغانستان حمایت می‌کند؛ از جمله حمایت از تلاش‌های تحت رهبری افغان‌ها در جهت پیشرفت در راستای یک راحل سیاسی پایدار، ارتقای توان نیروهای امنیتی ملی افغان که از قابلیت کافی برخوردار بوده و بتواند شورشگری را مهار کند، جلوگیری از ایجاد پناهگاه‌های امن برای تروریست‌های بین‌المللی و ایجاد یک حکومتی پایدار در افغانستان.

بنابراین به نظر می‌رسد با خروج نیروهای نظامی انگلیس از افغانستان، سیاست‌های این کشور همچنان تداوم خواهد یافت. به هر حال انگلیسی‌ها در کنار امریکایی‌ها دنبال منافع و اهدافی هستند که تاکنون تضمین‌کننده برقراری صلح و امنیت، ثبات و توسعه نبوده‌اند. در واقع، انگلیسی‌ها دارای اهداف متعدد سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی فرهنگی هستند و به نوعی برای هر یک از این جنبه‌ها می‌توان مولفه‌ها و شاخصه‌هایی بیان کرد. آنها با تغییر رویکرد خود به تداوم حضور در افغانستان می‌اندیشند.

[بقیه گزیده های مقالات \(صبا \) اینجا کلیک نماید](#)